

آداب معاشرت در اسلام

(تصحیح رسالۃ آداب العشرہ)

مؤلف: آیت اللہ محمد کاظم ہزار جریبی

مقدمہ، تصحیح و حواشی:

علی قنبریان (فتاویٰ)

یوسف طاہری

مقدمہ: شہناز آلویش

شماره: ۴۰۰۰۰ ر.ق. ۰-۶-۹۷۴۵۹-۶۰۰-۹۷۸ شماره کتابخانه ملی: ۹۷۸۹۸۱۰

عنوان و نام پدیدآور: آداب معاشرت در اسلام : تصحیح رساله آداب المعشره تألیف محمد کاظم غزالی برپایه مقدمه تصحیح و حواشی علی قزوینی (افزون)، یوسف طاعری؛ مقدمه شهناز گوشا و ویرایش موسسه فرهنگی خیری ترین پژوهش فراهی.

مشخصات نشر: تهران: میراث فرخنده گنجی، ۱۳۹۵. مشخصات ظاهری: ۷۸ ص. ۱۰×۱۶. م. ج. با عدولت: کتابخانه عنوان دیگر: تصحیح رساله آداب المعشره موضوع: آداب معاشرت اسلامی. موضوع: آداب معاشرت اسلامی - احادیث. موضوع: Islamic etiquette. Studies راه پستی دیوید: ۶۵۷۲۴۷ راه پستی کشور: TSTBP از ۱۳۹۵ منتشر شده: غزالی جری، محمدکاظمین معتمدینی - ۱۳۳۲ فی شماره افزودن قزوینی علمی: ۱۳۶۰ - تصحیح مقدمه نویسی: شماره افزودن طاعری، یوسف ۱۳۷۸ - تصحیح مقدمه نویسی: شماره افزودن گوشا، شهناز ۱۳۷۷ - مقدمه نویسی: وضعیت فهرست نویسی: ایذ.

آداب معاشرت در اسلام

(تصحیح و سالد آداب العشره)

تالیف: آیت اللہ محمد کاظم ہزار جریبی

مدامہ: حیح و حوالشی: علی قنبریان (فیاض) / یوسف طاہری

قَدَمَه: شهنواز آلودن

ویرایش، صفحه آرایی و تصاویر: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیاض»

سید: ہیٹ فرہ تگان

چاپ اول / زمستان ۹۸ / شماره ۱ / شماره ۵۵ نسخه

بہاء ۵. تومان

شماره ۹۷۸۶۰۰-۹۷۴۵۹۰۰-۶

ISBN: 78-60J-97459-0-6



Chaitin, Gregory J.
 1987. *Computational Information Theory*.
 New York: John Wiley & Sons.
 1988. *Computational Information Theory*.
 New York: John Wiley & Sons.
 1990. *Computational Information Theory*.
 New York: John Wiley & Sons.

فهرست مطالب

- ۷ مقدمه شایان آلوده (نویسنده)
- ۱۳ مقدمه حضرت الاسلام علی قنبریان
- ۲۳ منابع مقدمه علی قنبریان
- ۲۵ مقدمه یوسف عاقل
- ۲۸ مقدمه مؤلف
- ۳۳ باب اول: در معاشرت سرور مؤمنان
- ۴۰ باب دوم: در مصاحبت کردن مؤمنان با نادان خلق
- ۴۹ باب سوم: در سلام کردن مؤمنان با یکدیگر
- ۵۵ باب چهارم: در شناختن دوستان از غیردوستان
- ۵۷ باب پنجم: در عطسه کردن
- ۶۹ باب ششم: در تعظیم نمودن پیران

باب هفتم: در گرامی داشتن بزرگ قوم ۷۲

www.ketab

مقدمه شهنار آلوش

به نام آن حکمت بی پایان

به نام آن پرده پوش بی همتا

به نام آنکه اگر نبود، هیچ نبود

قدم در راه درس و زمین پاکان، عرفان جاودان و هنری

عظیم می خواهد تا اندون نهاد بشر را در دل باختگی

زمان و مکان هویدا کند. عشق را در کمال سادگی و

نسیم معرفت سلام، شکفتن کند. تا دروازه های ایمان

پاکان عالم را در امتداد مذهب و تاریخ نشان دهد. تا

کلام را بر سجاده زمین رساند و بر افق بی نهایت

خداوندی سجده شکری دائم را به جا آورد و در دستان

پُر قوت انبیا و امامان بحق را در پهنای همای

آفریده‌های عظیم رحمان و رحیم بنشانند. تا در
انتادگی مهتاب و خورشید، بر تشت زرین معرفت و
انوار به آن باقی بی‌همتا سلام کنند.

نکته: عرفانی در این کتاب از گفته‌هایی پرده
برمی‌دارم که جهان در ستون و پایه‌های آن بنا شده. از
رازهای آشکاری سخن می‌گویم که تمام آفرینش
هستی را در برمی‌گیرد. عشق به بزرگان و وفای به
عهد می‌گویم. از دوستی و اخلاق نای پسندیده‌ای که
اگر نبود، استواری و اقتدار نبود. در به نامی این پرده
آسمانی عرفان و معرفت، به تنهایی مونج‌خواشید
نبوت و امامت را بازگو می‌کنم.

و از کلام‌های پرفروغشان به عالم معنا سفر کردم و باب سخن را با اهل دین باز کردم.

هر چه دیدم، در این کتاب بازگو کردم، تا در خلق جهان نشانه‌ای باشد و بتوانند خود را به انتهای انسانیت و نیایش پاکان عالم سوق دهند.

در مرحله اول، مقام سلام را دیدم که جایگاهش آسمان هفتم بود و بکینه به خلعت انسان زده بود و آغاز عشق و ایشار را بر تخت زمردین نهاده بود، تا افتادگی انسان را نشان دهد و آن - همان نوری از درونش - شعله‌ور می‌شد که می‌خواستیم در مقامش به رسم و باز ملانکه را در تخت زمردین حمد یافتیم تا به هر

سجده انسان، شاکر درگاه حق بودند و بوسه بر عرش
برین می زدند.

باز در مقام صلوات بارگاهی دیدم که عشق را بر
کعبه سیر نشاندہ بودند و مستانه مستانه به عالم
بهشت رهنمائی می کردند.

و باز در مقام روح هجرت داده شده دیدم فرشتگانی
آمدند تا صواب شفاء بخشان مؤمن بحق را به ساقی
کوثر برسانند.

و باز در سلام در افتادگی جسم و بزرگی روح آغاز
شدم و خود را در پرنیان دوباره هجرت و رسالت
محمد رسول الله یافتم تا انقلاب مسلمانی ازاده تا
خاتم را بازگو کنم که همه پاکی ها و اخلاص ها

سرچشمه از دین و مذهب اسلام و شیعه اثنی عشری
داد.

و بر آغاز شدم که حقانیت چهارده معصوم را در
بر چشم عشق به دید دوباره جهانیان برسانم.
و سلام بر آستان پاسدار عشق بی نهایت که ایستاده در
عرش یقین که بیارز و لهور کند.

و سلام بر استاد ارجمندم قائم حجت الاسلام علی
قنبریان که هر لحظه نور سرفرازی را در صفحه کتاب
جاودان می کند و ایشارگونه هر ده در افق نوبه یادگار
می گذارد و خود ناییبی از نور می شود تا بتواند رهرو
پیشگامان دین باشد.

و باز سلامی دوباره به آقای یوسف طاهری که پرده
زمانه را به نگاه محمد رسول الله باز می کند و از
تسبیح به صاحب امر می گوید و گویا گر اخلاق
پدید می آید پیش ابان رحمت می شود.

از اخراج نیکو در صفای عشق به محراب نماز می برند مرا
تسبیح معرفت را با الله عشق به کعبه می برند مرا
گر بودیاری ایزد متاز به عشق به شوریده جان می برند مرا
ای آرامش جان از العسره به بارگه قدسی با سلام
سلانه سلانه می برند مرا

نهران

آلوش - ۱۳۹۱/۱/۰۱

